

نگاهی به گزارش مطبوعات دوره پهلوی درباره شکل گیری نخستین محل عرضه دائمی کالا ی اساسی خراسان

ماجرای سینمایی که نمایشگاه کالاهای وطنی در مشهد شد



تصویری از نخستین ساختمان نمایشگاه کالای مشهد/ منبع تصاویر: مرکز اسناد و تاریخ توسعه شهری شهرداری مشهد

● نخستین خیر نمایشگاه در مطبوعات دوره قاجار نخستین باری که کلمه نمایشگاه در مطبوعات مشهد به کار رفت، مربوط به جشن امتحان سالانه مدارس در ۲۵ رجب ۱۳۲۷ قمری(۱۵فروردین ۱۲۸۸خورشیدی) است که روزنامه مشروطه خواه خراسان با مسئولیت سیدحسین اردبیلی از آن استفاده کرد.

طبق این خبر، اداره خیریه سعادت جشنی در مدرسه رحیمیه برگزار می‌کند و افراد با نفوذ و علما با جمع زیادی از دانش آموزان ووالدینشان در این نمایشگاه حاضر می شوند.

این جشن اما به نظر می‌رسد بیشتر به یک همایش شباهت دارد تا نمایشگاه ؛ از کلمه نمایشگاه برای دومین بار در تماشای اجرای مراسم اعدام استفاده می‌شود و سومین بار در برگزاری نمایشی در باغ کنسولگری روسیه است. البته برای توصیف مجلس سلام حضرت رضا^(ع) نیز کلمه نمایشگاه به کار رفته است.

کندوکاو بیشتر ما را به ۶ محرم سال ۱۳۲۹ قمری(۲۹شهریور۱۲۹۹خورشیدی) می‌رساند که بالاخره کلمه نمایشگاه باهمان مفهومی که امروزه آن را به کار می‌بریم در روزنامه ایران درج می‌شود. در این خبر آمده است: «کمال‌الملک معاون وزارت صنایع مستظرفه و رئیس مدرسه صنایع مزبوره یگانه اسناد زبردست نقاشی اخیرا یکی از بهترین شاهکارهای صنعتی خود را تمام و برای بهترین نمایشگاه‌های ملی به عنوان هدیه ارسال نموده است.»

شهریورماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی از سوی کفیل ایالت خراسان و سیستان کلمه نمایشگاه استفاده می‌شود. در این اطلاعیه آمده است، «نمایشگاه فلاحتی همراه افتتاح می‌شود و ده روز ادامه دارد.» و منظور از آن نمایش فیلم درباره کشاورزی است.پس از آن دوبار دیگر کلمه نمایشگاه برای کالاهای روسی به کار می‌رود. در سال ۱۳۲۳ در خبری درباره نطق جنرال کنسولگری و خدمت روس‌ها به ایرانیان چنین می‌آید: «در این اوان برای پیشرفت کارهای قشون جوان ایران بهترین طیاره‌های مرغوب وارد نموده و در نمایشگاه تهران ماشین و ادوات فلاحتی و همچنان برای توسعه تجارتی تخم پنبه و غیره تهیه نموده است.» همان‌طور که با بالا و پایین کردن این اخبار می‌فهمیم خبری از برپایی نمایشگاه به معنای امروزی آن در خراسان در دوره قاجار نیست.

● نخستین نمایشگاه خراسانی!

۷مرداد ماه سال ۱۳۱۳ روزنامه آزادی اولین بار از تأسیس نخستین نمایشگاه امتعه وطنی خراسان خبر می‌دهد. طبق این اعلان مسئولان از اعیان، ملاکان و تجار و اصناف و صاحبان صنایع در دارالایاله دعوت می‌کنند تا با آن‌ها گفت‌وگو کنند. کمیسیونِ نیز جهت برپایی نمایشگاه تشکیل می‌شود تا مقدمات آن را فراهم کنند. سینما وطن جایی است که برای این کار انتخاب شده است. اخبار بعدی درباره پایان یافتن کارهای مقدماتی نمایشگاه از جمله غرفه‌بندی آن و آمادگی برای پذیرایی از صنایع است. مؤسسه سینما وطن نیز یک آگهی با این مضمون به چاپ می‌رساند:«سالن سینماوطن به نمایشگاه امتعه ایالت خراسان اجاره داده شده است لذا از این تاریخ سینما تعطیل و افتتاح آن با فیلم‌های جالب توجه اعلان خواهد شد.» آقایان سودآور(کاشانسکی) و عبدالحسین خان ملکی (نصرت‌الملک) مأمور تهیه و تنظیم نمایشگاه محصولات خراسان و شبانه‌روز مشغول آن هستند. ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۱۳ در خبر روزنامه اطلاعات آمده‌است:«از مشهد اطلاع می‌دهندکه عملیات ساختمان و غرفه‌بندی نمایشگاه امتعه

سیده نعیمه زینبی^۱واژه «نمایشگاه» در مطبوعات مشهد، سفری عجیب را از دوره قاجار تا اوایل پهلوی طی کرده است؛ زمانی که این کلمه گاه برای توصیف مراسم اعدام و گاه برای جشن امتحان مدارس به کار می‌رفت. تا اینکه بالاخره در دهه‌های نخست قرن ۱۴ خورشیدی، هویت واقعی خود را در قامت «نمایشگاه امتعه وطنی» پیدا کرد. این گزارش، روایتی است از کندوکاو در صفحات کاهی مطبوعات قدیمی برای بازخوانی تاریخچه نخستین نمایشگاه‌های مشهد و ماجرای ساخت عمارت باشکوهی که در دل باغ ملی، به «خانه صنعت خراسان» بدل و نخستین محل دائمی نمایش کالاهای خراسانی شد. اکنون از این بنای باشکوه خبری نیست. اما بد نیست یادی کنیم از روزهایی که نمایشگاه باشکوه امتعه(متاع، کالا) خراسانی نقش پررنگی در صنعت و تجارت ایالت خراسان داشت.



تصویری از یک نمایشگاه پوشاک در مدرسه دخترانه فروغ؛ پیش از ایجاد ساختمانی مجزا به عنوان نمایشگاه معمولاًنمایشگاه‌های مشهد در مکان‌هایی از این دست برگزار می‌شد

شده و در گوشه غرفه مزبور دستگاه قالببافی نصب و یک عده چهار نفری مشغول بافت یک قطعه قالی بسیار نفیسی بودند.»

● نمایشگاه بدون تعطیلی!

ساخت یک نمایشگاه دائمی از همین نقطه یعنی آغازین بازارچه عرضه کالاهای خراسانی جرقه می‌خورد. ۱۷مهرماه سال ۱۳۱۴ خورشیدی نخستین خبر درباره برپایی نمایشگاهی دائمی منتشر می‌شود. در این خبر آمده است: «نظر به اینکه برای نمایشگاه امتعه و محصول وطنی طبق نظریات مقامات عالیه محل دائمی لازم بود که گنجایش داشته باشد و کلیه محصول و مصنوع خراسان در آنجا به معرض نمایش نهاده شود و چنین محلی در مشهد موجود نبود که موفقیت نمایشگاه را داشته باشد پس می‌شود و از دو سالن متصل به هم تشکیل شده است.انواع پوست به مدیریت نویبان، دستمال وکراوات و پارچه‌جات ابریشمی به مدیریت سید ابوالقاسم، خشکبار به مدیریت باقرزاده، کمپوت به مدیریت دانش و پاپلی، شکلات و سیگار به مدیریت کوزه‌کنانی، فیروزه به مدیریت حاج محمدعلی حکاک، کارهای دستی به مدیریت مؤیدپردازی، فنائویر به مدیریت عبدالله و قالی به مدیریت عمو اغلی و نقشه‌جات وکاشی به مدیریت طاهرزاده بهزاد و جوراب با ماشین‌های ساخت مشهد، حجاری به مدیریت حجارباشی، تریکوتاژ به مدیریت حسن بیگ حبیبی، برک به مدیریت حاجی سید باقر برکچی، ورشوالات به مدیریت علی‌زاده، کفش به مدیریت حاج ولی، صابون به مدیریت آقای نصرالله و سیگار به مدیریت عسگرزاده و صنعت چرم‌سازی در این نمایشگاه حضور دارند.بررسی عناوین و اشخاص می‌تواند ما را باتاجران و بزرگان صنعت خراسان در آن زمان آشنا کند که درنخستین نمایشگاه مشهد حضور به هم رسانده‌اند. ظاهراً غرفه قالی بافی یکی از غرفه‌های باکیفیت این نمایشگاه است و روزنامه اطلاعات درباره آن می‌نویسد، «انواع و اقسام قالی‌های نفیس و ظریف مشهد بافت کارخانجات عمو اغلی در این غرفه جای داده

آن داده می‌شود. یک ماه بعد هم خبر رنگ کردن در و پنجره این عمارت مجلل به گوش می‌رسد. ظاهرا ساختمان سه بخش دارد: سالن مواد صنعتی و سالن مواد نباتی، سالن کانون تجار و دفتر اطاق تجارت و محل تشکیل جلسات. در آگهی دیگری به تجار چنین اخطاری داده شده است: «امر غرفه‌سازی و قفسه‌بندی عمارت نمایشگاه کالای خراسان رو به اتمام است. از طرف اتاق تجارت به کلیه صاحبان صنایع و شرکت‌های مولد کالای خراسان اخطار شده است هرچه زودتر نمونه اجناس خود را برای نهادن در نمایشگاه و شرکت در این امر تهیه و حاضر کنند.» در آگهی دیگری از صاحبان سهام شرکت سهامی میشن و تیماج درخواست می‌شود در جلسه دوم مرداد ماه در سالن کانون تجار شرکت کنند که نشان از بهره‌برداری از سالن این مجموعه دارد. ۳۱ شهریورماه خبر رسمی افتتاح آن نیز منتشر می‌شود که ظاهراباز هم دو هفته‌ای به تعویق می‌افتد. ۱۳مهرماه نیز درباره پایان کار ساخت نمایشگاه این خبر به چاپ می‌رسد: «قفسه‌بندی‌های زیبای نمایشگاه کالای خراسان خاتمه یافته، صاحبان کارخانجات، مؤسسات و شرکت‌های اقتصادی و ارباب صنعت که شرکت در نمایشگاه نموده اند غرفه‌ها و قفسه‌های مخصوص خود را چیده‌اند و جهت گشایش رسمی آن منتظر هستند.» بالاخره روز موعود فرا می‌رسد و نخستین نمایشگاه ثابت و دائمی مشهد در ۱۴مهرماه آن سال افتتاح می‌شود.

● باغ ملی، میزبان یک ساختمان باشکوه!

پس از بازگشایی محل دائمی نمایش کالاهای خراسانی جریده آزادی در گزارش‌ی جزئیات بیشتری از ساختمان آن می‌نویسد:«درنمایشگاه موقتی سه سال پیش خراسان قدمی فراتر نهاده و یک نمایشگاه اساسی و دائمی و علمی و مرکزی ساخته که معرفت کبان و هویت صنعتی این ایالت معظم باشد. لہذا اطاق تجارت محل عوائد آن را تهیه و مبلغی مکفی برای ساختمان یک عمارت باشکوه مجلل تخصص داده و دو سال پیش در یک قسمت باغ ملی که مهم‌ترین نقطه شهراست طبق نقشه دقیق آقای محمد سودآور و تحت نظر و سرپرستی ایشان شروع به بی‌ریزی ساختمان که خانه صنعت خراسان نیز است نموده و اینکه بنا تمام شده و یکی بر مفاخر شهر اضافه گردید.» ظاهرا این نمایشگاه یک عمارت دو طبقه با نمای زیبا در زمینی به اندازه ۶۲۵ متر است که با آجر و آهن و سمنت و آهک و سنگ ساخته شده و دارای دو در است. درب شرقی به میدان ارگ گشوده می‌شود و یک سالن ورودی دارد و غرفه ۷۵ متری قالی در سمت راست آن، سالن بزرگ نمایشگاه حدود ۲۰۰متر در سوی چپ آن قرار دارد. در دیگری رو به شمال و باغ ملی است که با ورود به آن به یک سالن حدود ۱۲متری می‌رسیم. یک اتاق ۶۰ متری دیگر به سالن بزرگ راه دارد. پله‌ها نیز ما را به طبقه دوم رهنمون می‌کنند که دوگالری در آن قرار دارد. در آن دفتر اتاق تجارت و سالن جلسات نیز ساخته شده است. آن زمان بود جه ساخت این نمایشگاه حدود ۴۰۰هزار ریال است و ۷۰هزار ریال نیز صرف تجهیز آن و خرید چراغ برق، میل و قفسه می‌شود. ظاهرا حدود ۴۵۵ هزار ریال از مالیات پارچه حاصل و صرف ساختمان می‌شود. پله‌های این عمارت نیز از سنگ مرمر شفاف ساخت دست حجارباشی تهیه و آجرها نیز از کارخانه متعددی آورده شده است. این ساختمان آن قدر مجلل و زیبا هست که برای انواع مراسم رسمی و مجلل به کار برده شود و مراسم تودیع و معارفه رئیس بانک ملی و نامزدی‌های شاخص و امثال آن برگزار شود.

مسجدی تاریخی در همسایگی مجلس (قسمت اول)

تاریخچه مسجد سپهسالار و سرگذشت بانی اش



هادی دقیقاً پدرش، شوهر یکی از چندین دختر فتحعلی‌شاه قاجار بود و همین هم خاندانشان را به قاجاریان وصل کرده بود. خودش سال ۱۲۰۶ خورشیدی به دنیا آمد. نامش را میرزا حسین گذاشتند. آن‌جا که رابطه پدرش با امیرکبیر خوب بود، او هم با یکی از کاروان‌هایی که امیر برای تحصیل به فرنگ فرستاده بود، روانه اروپا شد. در همان جوانی، کاریرد از ایران در بمبئی شد. بعد کنسول ایران در تفلیس، وزیر مختار و سپس سفیر کبیر ایران در استانبول. بازگشتش به ایران اما به دستور ناصرالدین شاه بود، شاه قاجار او را که خالدار قامت سیاست‌مداری کارگرفته و دنیا دیده جلوه می‌کرد، ابتدا وزیر عدلیه کرد. داستان میرزا حسین خان در تاریخ ایران جایی جدی شد که ناصرالدین شاه درست در سال‌های میانی پادشاهی اش او را صدراعظم ایران کرد. از آنجا که سال‌های سکونتش در استانبول با دوره «تنظیمات» عثمانی‌ها همراه بود، فکر اصلاحات همان جا در ذهن او بال و پر گرفت. میرزا حسین خان سپهسالار آن قدر سر ترس داشت که از عاقبت دوست پدرش، امیرکبیر و اصلاحاتش نهراسید و شاه را به برخی اصلاحات مجاب کرد و به گفته احمد کسروی، «خواست در ایران نیز تکانی پدید آورد.» کسروی در «تاریخ مشروطه ایران» درباره او نوشته است: «یکی از کارهای نیک او این بود که وزارتخانه‌ها و درباری به آیین اروپا پدید آورد.» پیش از این هم دربار قاجار وزارتخانه داشت، اما مرز و سامان مشخصی نداشت و شاه و صدراعظم مستقیم همه کارها را انجام می‌دادند و کشور را اداره می‌کردند. پس از صدراعظم شدن سپهسالار، ۹ وزارتخانه تأسیس کرد که در انجام کارها مستقل شدند، اما باید به صدراعظم پاسخ‌گو می‌بودند. میرزا حسین خان سپهسالار شاه قاجار را نیز به دیدن فرنگستان مجاب کرد و سفرهای تاریخی سلطان صاحبقران به اروپا از همین دوره آغاز شد. با وجود این، سفر شاه به اروپا برای سپهسالار خوش یمن نبود. در بازگشت مسافران، در رشت نامه‌ای به شاه رسید که نارضایتی شدید علما از صدراعظم را نشان می‌داد و خواستار عزل او شده بودند. شاه ناگزیر او را حکمران گیلان کرد و خودش بی‌ی او به تهران برگشت. با همه این‌ها، ناصرالدین شاه یک سال بعد او را به تهران فراخواند و وزیر امور خارجه کرد. لقب سپهسالار را همین منصب بر قبال او دوخت. در نهایت، شاه دیگر با او هم‌داستان نشد و عاقبت او را برکنار کرد و به حکمرانی خراسان فرستاد. در خراسان، سپهسالار دو سال بیشتر دوام نیاورد و سال ۱۲۶۰ خورشیدی از دنیا رفت. پشت سرش درباره مال اندوزی اش شبهه و شایعه فراوان است، همان‌طور که درباره مرگش در مشهد هم برخی‌ها می‌گویند به دستور شاه مسموم شده است. با وجود این، از او یک میراث مادی غیرمنقول به جا ماند که بعدها مرکز تحولاتی مهم در تاریخ ایران شد.

● یادگار سپهسالار در عصر مشروطه

مسجد و مدرسه سپهسالار که امروز با نام مدرسه عالی شهید مطهری شناخته می‌شود، یادگار میرزا حسین خان سپهسالار است. این مسجد در آخرین بازگشت سپهسالار به تهران، کمی پیش از اینکه او به خراسان فرستاده شود، بی‌ریزی شد. در اصل، هنوز بی‌ریزی مقدماتی بنا کامل نشده بود که حکم شاه به دستش رسید و او والی خراسان شد. پس از مرگ سپهسالار بردارش، یحیی خان مشیرالدوله، کار ساخت مسجد را پی گرفت. تقریباً با پایان سلطنت محمد علی شاه، مسجد سپهسالار مدرسه شد و تاکنون طلاب زیادی در حوزه علوم دینی در آن تحصیل کرده‌اند. مسجد و مدرسه سپهسالار، در نزدیکی میدان بهارستان، بعد‌ها بانخستین ساختمان مجلس شورای ملی همسایه شد. این مسجد خرداد ۱۳۱۵ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته‌است. همسایگی با ساختمان مجلس، مسجد سپهسالار را به محل تجمع مشروطه‌خواهان تبدیل کرد. در دوران سلطنت محمد علی شاه، مخالفت او با مشروطه مشهود بود. همین موضوع باعث شده بود جلسات مشروطه‌خواهان پنهانی در مسجد سپهسالار برگزار شود. با وجود این، وقتی رفته رفته این مخالفت آشکار شد، مشروطه‌خواهان نیز ملاقات‌ها و جلساتشان را علنی برگزار کردند و کار به جایی رسید که بود که انجمن‌های گوناگون مشروطه‌خواه تابلوشان را سر در حجره‌ها می‌آویختند و علنی تبلیغ و با مستبدان مبارزه می‌کردند. در آن زمان، ملک المتکلمین، سید جمال الدین اصفهانی و... و در رأس آن‌ها انجمن آذربایجان در مسجد سپهسالار فعال بودند و مردم را به مشروطه خواهی تشویق می‌کردند. با وجود این، بساط مشروطه خواهی مسجد سپهسالار با به توپ بسته شدن مجلس سرچیده شد. کار حتی فدری بیخ پیداکرد و لیاخوف روسی، فرمانده این حمله، دستور داد به مسجد هم شلیک کنند. در این حمله مسجد آسیب دید، اما شالوده‌اش از هم نپاشید. کتابخانه مسجد سپهسالار نسخه‌های خطی کمیاب و گران‌بهایی داشت که در این واقعه بنا بود نیروهای مهاجم آن‌ها را هم از بین ببرند. با وجود این، به اصرار تولیت، دستخط شاه به لیاخوف رسید که صرفاً به مهروموم کردن حجره‌ها و کتابخانه بسنده کنند و همین کار را هم کردند.

● دگردیسی نام مسجد

مراسم تاج‌گذاری آخرین شاه قاجار هم به مسجد سپهسالار پیوند خورده است. زمانی که احمدشاه قصد داشت در مجلس تاج‌گذاری کند، برخی از او خواستند که پیش از ادای سوگند در ساختمان شورای ملی، به مسجد سپهسالار برود و آنجا نماز بخواند. در نتیجه، مسجد به رئیس شهربانی وقت واگذار و حسابی تزئین شد. به علاوه این، یک در هم از دیوار شمالی مسجد به باغ مجلس باز شد. احمدشاه نیز پس از حضور در مسجد و خواندن دو رکعت نماز، از صحن مسجد به سمت ساختمان مجلس همراهی شد.

مسجد سپهسالار از زمان میرزا حسین خان موقوفات فراوانی داشت و حتی پس از او نیز موقوفات دیگری به مسجد افزوده شد. در اوایل دوره پهلوی مدتی آیت‌ا... مدرس تولیت مسجد را به عهده داشت و پس از او مستشارالدوله متولی مسجد و مدرسه شد. بعداً نیز مسجد به وزارت فرهنگ سپرده شد. مسجد سپهسالار در ابتدا مسجد ناصری یا ناصریه یا سلطانی نامیده می‌شد و نام بانی بنادر دوره تولیت سید حسن مدرس روی آن گذاشته شد. پس از انقلاب اسلامی نام مسجد و مدرسه سپهسالار به مدرسه عالی شهید مطهری تغییر کرد. بر اساس وقف‌نامه مسجد سپهسالار، هدف از تأسیس مسجد ایجاد نهاد دینی و آموزش علوم اسلامی است؛ همان هدفی که میرزا حسین خان سپهسالار برایش تدارک دیده بود و همه امکانات از جمله محل سکونت، لوازم معاش، کتابخانه، حمام و مریض‌خانه برای طلاب آن در نظر گرفته بود. خود سپهسالار حتی بالا رفتن دیوار مسجد را هم ندید و خیلی زود درگذشت، اما بانی بنایی شد که حالا بزرگ‌ترین مسجد تاریخی تهران است.

با عرض پوزش از خوانندگان گرامی شماره دوم این ستون به دلیل برخی مسائل فنی به صورت پس و پیش چاپ شده و قسمت دوم آن پیش از چاپ قسمت اول در تاریخ ۲۰ خرداد در صفحه ۱۲ روزنامه شهرآرا منتشر شده است.



قسمت دوم این گزارش را اینجا بخوانید